

دعای ۱- ستایش و ثنای خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ،

همه حمد و سپاس خداوندی را که نخستین است و پیش از او چیزی نبوده است.

وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ،

و اوست پایان، بی آنکه پس از او پایانی باشد.

الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ وَعَجَزَتْ

عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ.

همان خدایی که دیده بینندگان از دیدنش قاصر، و اندیشه و فهم وصف کنندگان از وصفش عاجز است.

ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعاً، وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى

مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعاً،

به دست قدرتش آفرینش را از نیستی پدید آورد و مخلوقات را بر اساس مشیت خود، با نگاهی نو آفرید.

ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ

مَحَبَّتِهِ،

سپس آن‌ها را در مسیر اراده‌اش به حرکت درآورد و در راه محبت خود روانه ساخت

لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَ لَهُمْ إِلَيْهِ

نه می‌توانند چیزی را که خدا پیش انداخته به تأخیر بیندازند،

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَقْدُّمًا إِلَىٰ مَا أَخَّرَهُمْ عَنْهُ

و نه توان آن را دارند که به چیزی که خدا به تأخیر انداخته، پیشی بگیرند.

وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ،

برای هریک از آنها، رزقی معین و اندازه‌گیری شده از بخشش خود مقرر فرمود؛

لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ، وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ.

هر کس را که روزی فراوان نصیبش کرده، کسی نمی‌تواند از آن بکاهد و هر کس را که روزی اش را کم قرار داده، کسی نمی‌تواند به آن بیفزاید.

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا، وَنَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا يَتَخَطَّى إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ،

آنگاه برای وی در زندگی مدتی مشخص قرار داد و پایانی معلوم معین فرمود که با روزهای عمرش به سوی آن قدم برمی‌دارد

وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامٍ دَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى أَثَرِهِ
وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ،

و با سال‌های روزگارش به آن می‌رسد، تا چون به آخر آن رسید و
پیمان‌ه زمانش لبریز شد،

قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ أَوْ مَحْذُورِ
عِقَابِهِ

پس جان او را می‌گیرد و به سوی آنچه وعده داده بود می‌برد: یا
پاداشی فراوان، یا عذابی ترسناک.

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ
أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾ عَدْلًا مِنْهُ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ
وَتَظَاهَرَتْ آلَاؤُهُ، ﴿لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ
يُسْأَلُونَ﴾

«تا کسانی که بد کرده‌اند، به اندازه عملشان جزا ببینند،
و کسانی که نیکی کرده‌اند، به بهترین پاداش برسند.»
این همه، از روی عدالت اوست؛ خدایی که نام‌هایش پاک
و مقدس است و نعمت‌هایش بی‌پای و بی‌شمار «او از آنچه انجام
می‌دهد مورد سؤال قرار نمی‌گیرد، و ایشانند که مورد پرسش
واقع می‌شوند.»

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ
عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِّنْهِ الْمُتَتَابِعَةِ وَأَسْبَغَ عَلَيْهِمْ
مِنْ نِّعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ،

و همه حمد و ستایش مخصوص خدایی است که اگر شناخت
سپاس‌گزاری از نعمت‌های بی‌دری‌اش را از بندگان دروغ
می‌کرد، و در برابر آن همه لطف آشکاری که بر آن‌ها فروریخت،
راه حمد و شکر را به رویشان نمی‌گشود،

لَتَصَرَّفُوا فِي مِّنْهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ
فَلَمْ يَشْكُرُوهُ،

بندگان نعمت‌های او را صرف می‌کردند ولی سپاسش را به‌جا
نمی‌آوردند، از روزی‌اش بهره می‌بردند اما شکرش نمی‌کردند.

وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ
إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ،

و اگر چنین می‌بود، از مرز انسانیت بیرون می‌رفتند و به مرتبه
حیوانیت سقوط می‌کردند

فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: ﴿إِنْ هُمْ
إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾.

درست همان گونه که در کتاب محکم خود توصیفشان کرده:
«آن‌ها جز به چهارپایان نمی‌مانند، بلکه از آنان گمراه‌ترند.»

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَالْهَمْنَا مِنْ
شُكْرِهِ،

و همه سپاس خدایی را که خود را به ما شناساند، و شکرگزاری اش
را به دل ما الهام کرد،

وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ،
و درهای شناخت پروردگاری اش را به رویمان گشود،

وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ وَجَنَّبَنَا
مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ،

و ما را بر اخلاص ورزی در توحید و یگانگی اش رهنمون شد، و از
بی راهه شک و انکار درباره خود دورنگه داشت.

حَمْدًا نَعْمَرُّ بِهِ فِيمَنْ حَمَدَهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَنَسْبِقُ بِهِ
مَنْ سَبَقَ إِلَى رِضَاهُ وَعَفْوِهِ،

سپاسی که با آن در زمره بندگان سپاسگزارش عمر بگذرانیم،
و به این وسیله، از پیشتازان در جلب رضایت و بخشش او پیشی
بگیریم.

حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ، وَيُسَهِّلُ عَلَيْنَا
بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ،

سپاسی که با نورش تاریکی های برزخ را برای ما روشن کند،
و راه قیامت را بر ما آسان سازد،

وَيُشْرِفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ يَوْمَ ﴿تَجْزَى
كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ ﴿يَوْمَ
لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾.

و جایگاه ما را در برابر نگاه گواهان روز حساب، بلند و سر بلند گرداند؛ آن روزی که: «هر کسی در برابر آنچه کرده، پاداش می بیند و به کسی ستم نمی شود». و «روزی که هیچ دوستی نمی تواند به دوستی دیگر سودی برساند، و هرگز یاری نمی شوند».

حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَىٰ عِلِّيِّنَ ﴿فِي كِتَابٍ مَّرْقُومٍ
يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ﴾.

سپاسی که از دل ما برخیزد و به بلندترین جایگاهها در علین بالا رود؛ «در نوشته ای ثبت شده، که مقربان بر آن گواهی می دهند».

حَمْدًا تَقْرُبُهُ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ، وَتَبَيَّضُ
بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

سپاسی که سبب روشنی چشمانمان گردد، آن گاه که دیده ها خیره می شوند؛ و سبب سپیدرویی ما شود، زمانی که چهره ها از ترس تیره گردند.

حَمْدًا نَعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ،

سپاسی که ما را از آتش دردناک خدا رهایی بخشد و به جوار پر مهر و بخشایش او برسیم.

حَمْدًا نَزَّاحُ بِهِ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَنُضَامٌ بِهِ
أَنْبِيََاءُهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ وَمَحَلِّ
كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ.

آنچنان حمد و سپاسی که ما را با فرشتگان مقرب او همنشین
سازد و در آن سرای جاوید که هرگز زوال نمی‌پذیرد، و جایگاه
کرامت او هیچ‌گاه دگرگون نمی‌شود، با پیامبران مرسلش
هم‌نشین گرداند.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ^۲، وَأَجْرِي
عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ،

و سپاس خدایی را که زیباترین خلُق و خوها را برای ما برگزید،
و روزی‌های پاک و نیکور را بر ما جاری ساخت،

وَجَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ،
و تاج برتری بر همه مخلوقات را بر سر ما نهاد

فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَصَائِرُهُ إِلَى
طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ،

پس تمام مخلوقاتش با قدرت او فرمانبر ما شده‌اند، و با عزّت
او، در مسیر فرمان‌برداری از ما قرار گرفته‌اند.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ،
فَكَيْفَ نَطِيقُ حَمْدَهُ؟ أَمْ مَتَى نُؤَدِّي شُكْرَهُ؟ لَا،
مَتَى؟

وهمه سپاس خدای را که در نیازمندی را جز به سوی خودش
بر ما بسته است، پس چگونه می‌توانیم که از عهده سپاسش
براییم؟ و یا اینکه چه زمانی می‌توانیم شکرش را به جای
آوریم؟ نه! نمی‌توانیم و کی توان آن را داریم؟

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَجَعَلَ
لَنَا أَدَوَاتِ الْقَبْضِ،

وهمه ستایش از آن خدایی است که ابزار گستردن و بسط
را در ما نهاد، و ابزار فرو بستن و نگاه داشتن را به ما عطا کرد.

وَمَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ، وَأَثْبَتَ فِيْنَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ،
و ما را از روح زندگی بهره‌مند کرد، و اعضای انجام دادن کار
به ما مرحمت فرمود

وَعَذَّائَنَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَأَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَأَقْنَانَا
بِمَنِّهِ،

با روزی‌های پاکیزه ما را پروراند، و به فضل خویش بی‌نیازمان
ساخت، و با نعمتش ما را بهره‌مند و توانگر کرد.

ثُمَّ أَمَرْنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا، وَنَهَانَا لِيَبْتَلَى شُكْرَنَا،

آنگاه به ما فرمان داد تا اطاعت مان را بیازماید، و ما را از انجام محرمات نهی کرد تا شکرمان را بسنجد؛

فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ وَرَكِبْنَا مُتُونَ زَجَرِهِ

اما از فرمان او سرپیچی کردیم، و بر مسیرهایی قدم گذاشتیم که نهی مان کرده بود.

فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَلَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ،

با این همه به کیفر زود هنگام ما اقدام نکرد و در انتقامش شتاب نورزید.

بَلْ تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا، وَانْتَظَرَ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا.

بلکه از روی کرم و مهربانی، با رحمتش با ما مدارا کرد و با رأفت و بردباری، چشم به بازگشتمان دوخت.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِذْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ،

و تمام سپاس خداوند را که ما را به توبه ای رهنمون ساخت که جز به فضل او به آن دست نیافتیم.

فَلَوْلَمْ نَعْتَدِ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا، لَقَدْ حَسُنَ بَلَاؤُهُ
عِنْدَنَا، وَجَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا، وَجَسُمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا
اگر از فضل خدا جز همین توبه را به شمار نیاوریم، قطعاً
نعمتش در حق ما نیکو، و احسانش بر ما بزرگ، و فضلش بر
ما تمام بود.

فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ
قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ،

زیرا روش او در توبه برای پیشینیان ما چنین نبود؛ او آنچه که
توان تحملش را نداشتیم از دوش ما برداشت،

وَلَمْ يُكَلِّفْنَا إِلَّا وُسْعًا، وَلَمْ يُجَشِّمْنَا إِلَّا يُسْرًا، وَلَمْ
يَدْعُ لِأَحَدٍ مِنَّْا حُجَّةً وَلَا عُذْرًا،

و جز به اندازه توانمان تکلیف نکرد، و جز آسانی بر ما نخواست،
و برای هیچ‌یک از ما حجت و عذری باقی نگذاشت.

فَالْهَالِكُ مِنَّْا مَنْ هَلَكَ عَلَيْهِ، وَالسَّعِيدُ مِنَّْا مَنْ
رَغِبَ إِلَيْهِ.

پس هر که از ما هلاک شود، به سبب مخالفت با او هلاک شده،
و هر که از ما سعادت‌مند گردد، کسی است که به سوی او
روی آورده است.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمَدَهُ بِهِ أَذْنِي مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ،
وَأَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ، وَأَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ

و سپاس خدای را، به کامل ترین سپاسی که نزدیک ترین
فرشتگان، و گرامی ترین آفریدگانش، و پسندیده ترین
ستایشگران او را بدان ستوده اند

حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبَّنَا عَلَى جَمِيعِ
خَلْقِهِ.

سپاسی که بر دیگر سپاس ها برتری یابد همچون برتری
پروردگارمان بر همه آفریدگانش.

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَى
جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ
عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ
مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ،

و باز هم تمام سپاس و حمد او را در برابر هر نعمتی که به ما و
به همه بندگان گذشته و آینده اش ارزانی داشته است، سپاسی
به عدد تمام آن چیزهایی که دانش او بر آن احاطه دارد. و برای
هر یک از آن نعمت ها، به همان تعداد، بلکه چندین برابر، حمد و
سپاس جاودانه و پیوسته تا روز رستاخیز.

حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لِحَدِّهِ، وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَلَا
مَبْلَغَ لِعَاقِبَتِهِ، وَلَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ

سپاسی بی پایان و بی حد، که بی شمار است، و مرزی برای پایانش
نیست، و هیچ گاه به آخر نمی رسد.

حَمْدًا يَكُونُ وَصْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَعَفْوِهِ، وَسَبَبًا إِلَى
رِضْوَانِهِ،

سپاسی که ما را به بندگی و بخشش او پیوند دهد، و سبب
خشنودی اش گردد

وَذَرِيعَةً إِلَى مَغْفِرَتِهِ، وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ، وَخَفِيرًا
مِنْ نِقْمَتِهِ، وَأَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ،

و وسیله ای برای آمرزش او، و راهی به سوی بهشت او، و ایمنی
از خشم او باشد

وَزَهْرًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَحَاجِزًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَعَوْنًا
عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَوِظَائِفِهِ،

ستایشی که یاور ما در راه اطاعتش، و مانع از نافرمانی اش، و
کمک کار در ادای حقش و وظایف بندگی اش باشد.

حَمْدًا نَسْعُدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَنَصِيرُ
بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ، إِنَّهُ وَلِيُّ
حَمِيدٌ.

ستایشی که به سبب آن در زمرهٔ دوستان نیکبختش قرار
گیریم، و در صف شهیدانی جای گیریم که با شمشیر
دشمنانش به شهادت رسیده‌اند که او قطعاً سرپرستی
ستوده است.